فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره پنجاه و یکم، تابستان ۱۴۰۴- صفحات ۵۵۸-۵۳۱

توزیع دارایی و درآمد در قرآن

نوع مقاله: پژهشی

مرتضی عزتی[۱]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۳/۲۷

چکیده

یک مساله مهم درباره اهداف اقتصادی، چگونگی توزیع دارایی و درآمد است. در این زمینه دیدگاه‌های بسیاری مطرح شده است و چگونگی توزیع درآمد و دارایی یکی از پایه‌های اصلی تفاوت مکاتب فکری است. درباره توزیع درآمد و دارایی توسط دولت در اسلام نیز دیدگاه‌هایی ارایه شده است. با این وجود به نظر می‌رسد برخی مطالب مطرح شده به نام اسلام با یکدیگر سازگاری ندارند. یافتن دیدگاه درست از میان اینها می‌تواند بسیار مهم باشد. چون قران منبع اصلی اسلام است، مراجعه به قران می‌تواند واقعیت مساله را روشن کند. از این‌رو این مقاله به بررسی توزیع درآمد و دارایی در قران پرداخته است. با توجه به اینکه قران به مفهوم توزیع به طور مستقیم نپرداخته است و هدف توزیع مجدد دولتی یا حکومتی، برابری (نسبی یا مطلق) درآمد یا دارایی افراد است، در اینجا به بررسی واژه برابری (سوی) با روش رابطه‌ای از دامنه روش‌های معناشناسی ساختگرا پرداخته می‌شود. در این زمینه ارتباط این واژه با همنشین‌های آن به عنوان موضوع و مصداق برابری و نابرابری تحلیل می‌شود.. اصلی‌ترین نتیجه این است که در قران هیچ اجازه‌ای برای دخالت در توزیع بازاری و توزیع مجدد اجباری درآمدها دیده نمی‌شود. همچنین تاکید قران بر این است که تفاوت در دارایی اولیه و درآمد مردم، خواست و مشیت الهی است. پاداش و دستمزد نیز باید به تناسب تلاش و اثرگذاری انسان باشد. در عین حال افراد آزاد هستند و ترقیب شده‌اند از دارایی خود در قالب‌هایی مانند انفاق و زکات به نیازمندان کمک کنند. در برابر این کمک اختیاری خداوند وعده پاداش آخرتی به افراد داده است. یعنی حتی برای این کمک اختیاری نیز جبران بیشتری از سوی خدا در نظر گرفته شده است.

کلیدواژگان: عدالت، توزیع درآمد، نابرابری، برابری، قران

طبقه‌بندی JEL: H24, E25, E24, D63

[۱] دانشیار اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس mezzati@modares.ac.ir

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

مقدمه

مساله توزیع درآمد میان افراد جامعه یکی از مسایل دیرین مورد بحث اندیشمندان است به‌گونه‌ای که بسیاری از صاحب‌نظران درباره آن اظهار نظر کرده‌اند. دیدگاه‌های مختلفی درباره آن ارایه شده است. مکتب سوسیالیسم و پیرو آن مکتب کمونسیم برپایه آن مطرح شده‌اند. اختلاف اساسی برخی مکاتب فکری، مساله توزیع درآمد و دارایی میان فعالان اقتصادی و دیگر مردم است. انتظار بر این است که بتوان در قران نیز شواهدی بر تایید یا رد دیدگاه‌ها یافت. در این زمینه اندیشمندان مسلمان نیز دیدگاه‌هایی ارایه کرده‌اند و برخی دیدگاه خود را به اسلام و قران نسبت داده‌اند. با این وجود با تعمق در دیدگاه‌ها می‌توان دریافت که این دیدگاه‌ها تفاوت‌های اساسی با یکدیگر دارند. با تفاوت‌های موجود نمی‌توان پذیرفت که همه اینها با قران سازگار باشند. مهمتر اینکه اینها به نام اسلام مطرح شده‌اند و بیشتر از اینکه برگرفته از قران باشند، دیدگاه‌های شخصی یا دیدگاه‌های برگرفته از ایدئولوژی‌های غیر قرانی است. از این‌رو با نگاه دینی بهتر است برای روشن‌تر شدن موضوع و دستیابی به دیدگاه درست‌تر درباره پاسخ مسایل مرتبط با دین به قران رجوع کرد و با بررسی عمیق در آن، چگونگی توزیع درآمد و دارایی مورد پذیرش قران را از خود قران دریافت. از این‌رو بهتر است برای روشن‌تر شدن موضوع و دستیابی به دیدگاه درست دینی درباره توزیع درآمد، به قران رجوع کرد و با بررسی عمیق در آن، توزیع درآمد و دارایی مورد پذیرش قران را از خود قران دریافت. بر این پایه این مقاله با هدف دستیابی به پاسخ این مساله، با روش معناشناختی ساختارگرا به بررسی موضوع برابری درآمد و دارایی در قران می‌پردازد.

در این نوشتار پس از مرور پیشینه و دیدگاه‌های رایج در این زمینه، به روش پژوهش اشاره خواهد شد. سپس به تحلیل معناشناختی درون قران پرداخته می‌شود تا به صورت عمیق‌تر ابعاد مساله توزیع درآمد و دارایی در قران بررسی شود. در پایان نیز جمع‌بندی ارایه می‌شود.

۱. پیشینه

با توجه به اینکه در دیدگاه‌های رایج اقتصاد و به ویژه دیدگاه‌های اندیشمندان و صاحب‌نظران عدالت در دوران ما موضوع توزیع مجدد درآمد یکی از مساله‌های اصلی مورد بحث و اختلاف بوده است، در زمینه توزیع مجدد درآمد توسط حکومت و دولت در قران نیز بررسی‌هایی انجام شده است. بسیاری از بررسی‌های انجام شده درباره عدالت، به موضوع توزیع درآمد نیز اشاره کرده‌اند. نخست اشاره‌ای به بررسی‌ها درباره توزیع درآمد در قران و سپس نگاهی به دیدگاه‌های رایج می‌شود.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

۱،۱. بررسی‌های توزیع درآمد درقرآن

می‌توان بررسی‌ها درباره توزیع درآمد در قران را به ۴ دسته جدا کرد. یک دسته بررسی‌ها درباره عدالت در قران است که در ضمن اشاره‌ای به موضوع توزیع درآمد کرده‌اند. بیشتر اینها به صورت سطحی به مسال نگاه کرده‌اند و برابری درآمد را از هدف‌های عدالت دانسته‌اند. مانند اسکی و همکاران (۱۳۹۹، ۶۹-۸۴) که عدالت اجتماعی در قران را دارای ۳ بعد می‌دانند و بیان می‌کنند برابری از مهمترین ابعاد و بلکه اصلی‌ترین معنای عدالت است، بعد دیگر قانون‌مندی است و بعد سوم، توازن است. توازن با توزیع برابر ارتباط بسیار دارد. از بررسی‌های دیگر در این زمینه هاشمی تنکابنی (۱۳۹۸، ۲۱۵-۲۴۰)، باادب برزگر و کاظمی‌تبار (۱۴۰۰، ۲۰۲-۱۸۷)، خسروپناه و همکاران (۱۳۹۳، ۷۴-۴۹)، عربشاهی کریزی (۱۳۹۵، ۱۰۹-۱۳۲) و فرجی آرپناهی و همکاران (۱۳۹۹، -۱۹ ۳۶) برابری درآمد را برجسته‌تر دانسته‌اند. در برابر اینها، بررسی‌هایی مانند پورمولا و همکاران (۱۳۹۴، ۲۳-۱)، اخوان طبسی و داوری (۱۳۹۷، ۱۲۸-۱۰۷)، امین‌مقدسی و افصحی (۱۴۰۲، ۴۳-۶۰)، فخرزارع (۱۳۹۸، ۷-۲۸) و خوش‌فر و رحمانی (۱۴۰۰، ۴۱-۵۷.) جایگاه بسیار ضعیف‌تری برای برابری درآمد در عدالت قرآنی یافته‌اند. با این وجود برخی بررسی‌ها مانند عزتی (۱۴۰۳، ۱۱۱-۱۴۲) با بررسی عدالت در قران و ابعاد اقتصادی آن و عزتی (۱۴۰۳، ۴۳-۷۸) در بررسی قسط در قران و ابعاد اقتصادی آن برابرسازی دولتی و یا اجباری در درآمد و ثروت را با عدالت قرانی سازگار نمی‌داند.

دسته دیگری از بررسی‌ها به عوامل اثرگذار بر برابری و توزیع درآمد با نگاه به آموزه‌های قرانی پرداخته‌اند. از این بررسی‌ها عزتی و محمودیان (۱۳۹۳، ۳۱-۵۵) به بررسی اثر انفاق بر کاهش فقر در ایران با روش اقتصاد سنجی پرداخته‌اند. ندری و قلیچ (۱۳۸۹، ۵-۳۲) نقش حاکمیتی دولت اسلامی در بهبود توزیع درآمد، را بررسی کرده‌اند. غفاری‌فرد و میرزایی (۱۴۰۰، ۳۳۷-۳۷۰) و بهرا و همکاران (۱۴۰۳، ۱۴۱-۱۶۸) به بررسی اثر انفاق بر توزیع درآمد در استان‌های ایران پرداخته‌اند. ابراهیمی سالاری (۱۳۸۷، ۶۰۶-۶۳۱) به بررسی مقایسه‌ای ارتباط رشد و توزیع درآمد از دیدگاه اسلام پرداخته است. رجائی و همکاران (۱۳۹۹، ۵۱-۸۰) به بررسی نظری اثر ابزارهای سیاست پولی بر توزیع درآمد و ابونوری و قاسمی تازه‌آبادی (۱۳۸۶، ۱۳۹-۱۶۸) به ارزیابی اثر ارزش افزوده قرض الحسنه بر توزیع درآمد پرداخته‌اند. اصغری (۱۳۹۶، ۳۹-۶۰) نقش زکات در تولید ثروت برای فقرا را در نگرش قرانی بررسی کرده است. اسماعیلی و همکاران (۱۳۹۴، ۷۷-۹۵) بیان می‌کنند از دیدگاه قران انفاق، خمس، زکات، قربانی، کفاره، صدقه، وقف و مانند اینها می‌توانند فرد و جامعه را به سمت توانمندی اقتصادی و معیشتی پیش ببرند و رسیدن جامعه به رفاه عمومی، برقراری عدالت اقتصادی و معیشتی، ریشه کنی فقر و محرومیت و رفع تکدی‌گری را تحقق بخشند. عزیز، محمود و

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

الکریم (۲۰۰۸) به بررسی ماهیت انفاق و تأثیرات آن بر توزیع ثروت پرداخته‌اند. خیرالفردوس و محمد (۲۰۱۳) و لحجوجی و روغنی (۲۰۱۶) نیز به اثر زکات بر توزیع دارایی پرداخته‌اند و زکات را عامل کاهش فقر و نابرابری دانسته‌اند.

دسته سوم از بررسی‌ها، بیان کرده‌اند به موضوع توزیع درآمد در اسلام می‌پردازند. مانند زرقا (۱۳۸۴) که به بررسی عدالت توزیعی در اسلام پرداخته است. او هدف‌های این عدالت را تامین نیازهای اساسی برای همه، تقلیل نابرابری‌ها در درآمد و ثروت، تزکیه باطنی پرداخت کننده و تصفیه اموال او، تقویت حس برادری میان مردم می‌داند. طرح اسلام برای توزیع و توزیع مجدد را دربرگیرنده ابزار و راه‌های زیر می‌داند: تحریم بهره و ترویج مشارکت در سود، تحریم انحصار، راهکارهایی برای توزیع ثروت طبیعی، مشارکت همه شهروندان در انواع مشخصی از اموال، تحریم نگهداری زمین حفاظت‌شده خصوصی (حصارکشی)، وجوب واگذاری مازاد آب‌ها و منابع طبیعی تجدیدپذیر، ارث، زکات، زکات فطره، وقف، پرداخت غرامت جهت خون‌بها، وجوب انفاق بر بستگان، تضمین تامین حداقل سطح زندگی برای همه شهروندان از بیت‌المال و حق برخورداری از نیازهای اولیه زندگی. نمونه دیگر، بررسی توتونچیان و عیوضلو (۱۳۷۹، ۹۷-۱۳۲) است که ۴ قاعده کلی عادلانه بودن اقتصاد را چنین بیان می‌کنند: سهم‌بری براساس میزان مشارکت در فرایند تولید، حق برخورداری برابر، توازن نسبی (نه برابری) ثروت و درآمد و قرار گرفتن اموال در موضع قوامی آن. ایشان جای‌گیری نظام اسلامی در قالب آنها را توضیح می‌دهند. عیوضلو (۱۳۷۵، ۱۵۱-۱۶۷) می‌نویسد اسلام از تجمع و انباشت ثروت یا درآمد در دست عده‌ای معدود جلوگیری می‌کند. در توزیع کارکردی اسلامی، برای کارگر روش دستمزد مقطوع و درآمد ثابت یا روش مشارکت در محصول و یا سود و ارزش افزوده در نظر گرفته شده است و برای صاحب مواد اولیه، زمین، ساختمان و ابزار تولید، اجاره و سرمایه مالی یا مشارکت در سود یا خرید دارایی ثابت و اجاره درنظر گرفته می‌شود. محمد و همکاران (۲۰۱۳) در یک بررسی بر روی ادبیات موضوع ابزارها و منابع توزیع مجدد دارایی در اسلام، بیان می کنند ابزارها و منابع توزیع ثروت در اسلام به گونه ای است که چارچوبی کارآمد و انساندوستانه دارد که می تواند محور از بین بردن فقر باشد. این مقاله به غیر دولتی بودن نظام توزیع در اسلام نیز اشاره دارد. قیاس الحق (۲۰۱۳) بیان می‌کند نظام اقتصادی اسلامی، که در هیچ کجای جهان به طور کامل اجرا نمی‌شود، یک نظام اقتصادی غیر دولتی برای توزیع عادلانه و منصفانه درآمد و ثروت است. عبدالرحیم و فادما (۲۰۲۴) توزیع مجدد در اسلام این گونه است که زکات مستقیم از طرف زکات دهنده به نیازمندان پرداخت می شود، در حالی که در نظام های دیگر مالیات گرفته می شود و بخشی از آن به نیازمندان داده می‌شود .

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

دسته چهارم، بررسی‌هایی هستند که بر توزیع درآمد در قران تمرکز دارند. هادوی‌نیا (۱۳۹۹، ۳-۲۶) معیارهایی برای عدالت توزیعی از دیدگاه قرآن ارایه کرده است. از دیدگاه او ۵ معیار توزیعی در قران مطرح شده است. مهمترین آنها کاهش نابرابری درآمد است. ۴ معیار دیگر نیاز واقعی ضروری، کار مباشری، نیاز واقعی متوسط شخصی و نیاز واقعی متوسط دیگران (درحد کفاف و شان) معیارهای شخصی هستند.

رجایی و محمدیان (۱۳۹۶، ۹-۳۷) درباره مبانی توزیع ثروت و درآمد در قران بیان می‌کنند مبانی عمدتا قرآنی توزیع اینها است: مالکیت خداوند بر جهان هستی، مالکیت خداوند بر جهان تشریع، توزیع متفاوت روزی مردم در این جهان، جانشینی انسان برای خدا و امانتداری در مالکیت و تخصیص و توزیع بهینه برپایه امانتداری انسان، اصول توزیع درآمد و ثروت است.

ابراهیمی‌زاده جویمی و تلاشان (۱۳۹۳، ۱۲۵-۱۴۹) برای دستیابی به مهم‌ترین اصول اخلاقی اقتصادی در زمینه توزیع، به بررسی آموزه‌های قرآنی و روایی در این زمینه پرداخته‌اند و اصول اخلاقی پایه اسلام را توجه به معنویات، عدالت، خیرخواهی، نفی غش، احسان و امانت بودن اموال می‌دانند که هر یک دربرگیرنده قاعده‌های فرعی خود هستند.

گلستانی و شرف‌الدین (۱۳۹۱، ۵-۲۹) در بررسی نابرابری اجتماعی از دیدگاه قرآن کریم با تاکید بر تفسیر المیزان، مهم‌ترین دیدگاه‌های برگرفته از قران در این زمینه را طبیعی بودن اصل نابرابری اجتماعی، کارکرد تفاوت‌های تکوینی (تقسیم کار اجتماعی و آزمایش)، توجیه تفاضل پاداشی و نفی برابری مطلق، نقد رابطه مالکیت خصوصی و نابرابری اجتماعی و نفی سودمندی مطلق نابرابری می‌دانند و سازوکار قرآن برای کاهش و کنترل نابرابری اجتماعی را نفی امتیازات موهوم اجتماعی، تغییر ملاک‌های منزلت، انفاق مالی و شرط امانت و عدالت برای مناصب اجتماعی برمی‌شمارند.

در یک جمع‌بندی از پیشینه می‌توان گفت درباره توزیع با عنوان‌هایی مانند توزیع درآمد در اسلام و نیز توزیع درآمد در قران بررسی‌هایی انجام شده است. ولی بیشتر آنها با قران سازگاری خوبی ندارد. برخی نیز تنها در بعضی جنبه‌ها سازگاری دارند. با این وجود، بیشتر اینها به بعد خاصی از مساله توجه کرده‌اند و یا آن را به‌گونه‌ای با برابرسازی و برخی نیز برابرسازی درآمد و ثروت توسط حکومت و به اجبار، یکسان دانسته‌اند. برخی توزیع مجدد اجباری درآمد را که یک موضوع جدید است و به تبع آن توزیع حکومتی مجدد درآمد را که یک هدف سوسیالیستی است به قران نسبت داده‌اند. اینها برداشت‌هایی است که باید برای ارزیابی با قران محک زده شوند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

۲،۱. توزیع و برابرسازی درآمد در دیدگاه‌های اصلی رایج

توزیع مجدد حکومتی و اجباری درآمد یک موضوع جدید است که در ۴ سده اخیر مطرح شده است. در این دوره درباره توزیع درآمد دیدگاه‌های گوناگونی مطرح شده است. این دیدگاه‌ها بیشتر تابع ایدئولوژی ارایه‌دهنده دیدگاه است. می‌توان ایدئولوژی‌های رایج در این زمینه را در ۴ دسته جدا کرد: لیبرالیسم، سوسیال لیبرالیسم، سوسیالیسم و کمونیسم.

این ایدئولوژی‌ها در جنبه‌های گوناگونی با هم تفاوت دارند. یکی از جنبه‌های آن نگاه به توزیع درآمد است. می‌توان دیدگاه‌های مبتنی بر این ۴ ایدئولوژی را به صورت زیر بیان کرد.

الف. دیدگاه لیبرالیسم. بسیاری از لیبرال‌های راست در بیشتر زمینه‌ها دیدگاه مشابه دارند. یکی از اینها فردریش فون هایک[1] است. دیدگاه او در زمینه توزیع مجدد درآمد می‌تواند به عنوان نماینده لیبرالیسم مطرح شود. از دیدگاه هایک در یک نظام آزاد اقتصادی، چون نابرابری مادی (درآمد و ثروت) افراد، نتیجه عمل خود افراد است و شخص دیگری آن را ایجاد نکرده است، یعنی به رفتار نادرست فرد دیگری وابسته نبوده است، نمی‌توان آن را ناعادلانه نامید. پس برابرسازی اجباری و حکومتی آن نیز معنای عدالت نخواهد داد (هایک، ج ۲، ۱۳۳-۱۳۴). بر این پایه اگر نتیجه‌های (درآمد و دارایی) نابرابر در چارچوب رفتار درست به دست آمده باشد، موجه است. او در نوشتار خود رفتار مطابق قواعد درست رفتاری را رفتار درست می‌داند و می‌گوید می‌توان آن را عادلانه نامید (هایک، ج ۲، ۵۳-۵۷). او دادن پاداش (درآمد یا هر چیز دیگر) برابر به افراد متفاوت یا حتی پاداش برابر شایستگی‌ها را با اصل اساسی آزادی ناسازگار می‌داند (هایک، ج ۲، ۱۲۷). به سخن دیگر هایک دخالت دولت و بازتوزیع ثروت و درآمد یا به تعبیر دیگر برابرسازی نتیجه‌ها را نادرست و مخالف عدالت می‌داند و دخالت دولت در اجرای عدالت به معنای دادن پاداش برابر یا حتی پاداش برابر شایستگی‌ها را نیز با اصل اساسی آزادی ناسازگار می‌داند (هایک، ج ۲، ۱۲۷). در دیدگاه او تنها نابرابری‌هایی که حاصل برنامه آگاهانه کسی باشد، نادرست (ناعادلانه) است (هایک، ج ۲، ۵۴). البته نظر هایک این است که بسیاری از کسانی که از نظم بازار جانبداری می‌کنند، ایجاد شرایط آغازین یا فرصت برابر را می‌پذیرند، ولی او می‌گوید برابرسازی فرصت‌ها می‌تواند منجر به یک کابوس شود (هایک، ج ۲، ۱۲۷-۱۲۸).

ب. دیدگاه رالز (سوسیال لیبرالیسم). جان رالز[2] یک لیبرال چپ و طرفدار دولت رفاه است. او درباره توزیع درآمد چارچوبی ویژه را مطرح کرده است که می‌توان آن را سوسیال لیبرال دانست. رالز همه شهروندان را در برخورداری از حقوق پایه و آزادی‌های اساسی برابر می‌داند (رالز، ۱۳۸۷،

1 Friedrich August von Hayek
2 John Rawls

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

۱۱۱). او خیرهای پایه‌ای را دو دسته می‌کند: یکی خیرهای طبیعی (جسمی و روانی) که توزیع آن در حیطه اختیار انسان‌ها نیست و دیگری خیرهای اجتماعی مانند حقوق و آزادی‌ها، قدرت‌ها و فرصت‌ها، درآمدها و ثروت‌ها و عزت نفس که توزیع آن می‌تواند در دست انسان‌ها باشد (رالز، ۱۳۸۷، ۱۱۰). خیرهای اجتماعی نیز دو دسته هستند: یکی خیرهای اجتماعی پایه مانند آزادی‌ها و فرصت‌ها و دیگری سایر خیرهای اجتماعی (درآمد، ثروت و مانند اینها)، نابرابری درباره سایر خیرهای اجتماعی می‌تواند عادلانه باشد. شرط عادلانه بودن این است که این نابرابری‌ها: ۱. انتظار رود به شکلی معقول به سود همگان باشد و ۲. وابسته به شغل‌ها و منسب‌هایی باشد که برای همگان دسترسی به آنها امکانپذیر است. براین پایه توزیع ثروت و درآمد، تنها باید به سود همگان (نه برابر) باشد (رالز، ۱۳۸۷، ۱۱۰-۱۱۱). یعنی نابرابری در درآمد و ثروت پذیرفتنی است (رالز، ۱۳۸۷، ۱۱۲). با این وجود در دیدگاه رالز برابری دارای پایه انسانیت یکسان مبتنی بر اخلاق (انصاف) است (رالز، ۱۳۸۷، ۷۴۹-۷۶۱). در دیدگاه او اشخاص اخلاقی، شایسته عدالت هستند. اینها می‌توانند شهروندان انتخابگر اصول ساماندهی جامعه باشند (رالز، ۱۳۸۷، ۷۵۰). اینها باید تصمیم بگیرند توزیع چگونه باشد، ولی مشروط به اینکه توزیع ثروت، درآمد و سلسله مراتب قدرت، با آزادی‌های شهروندی برابر و فرصت‌های برابر، سازگار باشد (رالز، ۱۳۸۷، ۱۱۲). در دیدگاه او همه انسان‌ها آزاد و برابرند. هرچند خیر از نظر هر فرد برای خودش متفاوت از دیگران است، هر کس دنبال هدف‌های خود می‌رود (رالز، ۱۳۸۷، ۱۵۶) یعنی یکی درآمد، یکی تفریح و دیگری استراحت بیشتر را ترجیح می‌دهد. او اصل جبران را نیز مطرح می‌کند که برپایه آن، نابرابری‌های مادرزادی و ناشی از حوادث طبیعی، ناحق و ناشایست است، پس تا جای ممکن باید جبران شوند. برای این جبران، جامعه باید به کسانی که در آغاز تولد در موقعیت‌های اجتماعی نابرخوردارتر قرار دارند و یا مواهب زیستی کمتری دارند، توجه بیشتر داشته باشد (رالز، ۱۳۸۷، ۱۶۷).

پ. دیدگاه سوسیالیسم. ایده چند هزار ساله سوسیالیسم (ژید و ریست،۱۳۷۰، ج ۱، صص ۳۱۶-۳۱۷)، در ۳ سده اخیر گسترش یافته و دیدگاه‌های مختلفی درباره آن مطرح شده است. هر چند سوسیالیسم اولیه در این دوره، پایه ایده خود را بر عدالت و اخلاق نهاد و هدف خود را ایجاد نظامی دانست که حقوق کارگران را تامین کند (ژید و ریست، ۱۳۷۰، ج ۱، ۲۹۰-۲۹۱)، ولی سوسیالیسم مارکس[1] با مبنای تغییر جامعه برپایه جبر طبیعت‌گرایانه، جامعه سوسیالیستی را مرحله گذار تاریخی جامعه به کمونیسم می‌داند. دیدگاه سوسیالیسم بر اخلاق طبیعی استوار است و ایده آن کاهش فاصله طبقاتی و درآمدی است. ولی برخی سوسیالیست‌ها مانند پرودون[2] توزیع برابر درآمد

1 Karl Heinrich Marx
2 Pierre Joseph Proudhon

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

را مبنا می‌دانند (دادگر، ص ۳۲۶-۳۲۷). سوسیالیست‌های اولیه بر این نظر بودند که با حفظ مالکیت خصوصی بر ابزار تولید، باید تلاش شود حقوق و درآمد و سهم کارگران از محصول و درآمد افزایش یابد، ولی در دیدگاه سوسیالیسم انقلابی، چون مالکیت خصوصی علت استثمار کارگران دانسته می‌شود، باید مالکیت سرمایه و ابزار تولید اشتراکی شود و درآمد به تناسب کار افراد توزیع شود (ژید و ریست، ۱۳۷۰، ج ۱، ۲۹۰-۳۰۰). در سوسیالیسم مارکس دولت به نمایندگی از کارگران، مالکیت و حکومت را در دست می‌گیرد و همه افراد در یک طبقه کارگر قرار می‌گیرند و مالکیت برابر دارند (قدیری اصلی، ۱۳۷۶، چاپ ۹، ص ۲۹۰) و توزیع درآمد توسط دولت برپایه کار انجام می‌شود (تفضلی، ۱۳۵۵، ج ۱، ص۱۹۱).

ت. دیدگاه کمونیسم

مارکس یک سوسیالیست است و ایده جبر تاریخی تحولات ساختار جامعه انسانی را مطرح می‌کند که نظام کمونیستی آخرین مرحله تکامل تاریخی جامعه است (ژید و ریست، ۱۳۷۰، ج ۲، صص ۱۵۰-۱۴۰) که در آن جامعه بی‌طبقه و ایده‌آل بشری شکل می‌گیرد (قدیری اصلی، ۱۳۷۶، چاپ ۹، ص ۲۸۹-۲۹۱). در جامعه کمونیستی مالکیت لغو می‌شود (قدیری اصلی، ۱۳۷۶، چاپ ۹، ص۲۸۴). هیچ کس مالک هیچ دارایی، حتی حاصل کار خود نیست. همه کالاها و خدمات اشتراکی است و هر کس به تناسب نیاز طبیعی خود از آنها مصرف می‌کند (تفضلی، ۱۳۵۵، ج ۱، ۱۹۱). می‌توان گفت در جامعه کمونیستی با حذف مالکیت، مساله توزیع درآمد و دارایی بی‌معنا خواهد شد. اگر درآمد و دارایی باشد، هیچ کس مالک آن نیست تا تصور شود کسی کم یا زیاد دارد و توزیع مجدد یا برابرسازی صورت گیرد.

۲. روش

از روش‌هایی که برای فهم معانی قرانی به‌کار می‌رود، روش معناشناسی ساختگرا است. این روش، گونه‌ای از معناشناسی است که در چارچوب روابط معنایی به وصف و تبیین معنا می‌پردازد. می‌توان روابط معنایی را در دو سطح واژه و جمله بررسی کرد (اکبری راد، ۱۳۹۵، ۸). واژه‌های قرانی افزون بر معنایی که از خود دارند و معنای اساسی نامیده می‌شود، معنای نسبی نیز پیدا می‌کنند که بر معنای خاص و اسلامی آن واژه دلالت تضمّنی دارد. در این روش از ارتباط میان واژه‌ها، آیات و جمله‌ها استفاده می‌شود (ایزوتسو،۱۳۸۸، ۱۵-۲۱) (به نقل از گلدانی و ناصح، ۱۴۰۱، ۴۷-۶۶).

روش رابطه‌ای در دامنه معناشناسی ساختگرا قرار دارد که به تبیین روابط ساختاری میان واژه-های مرتبط با یکدیگر می‌پردازد و به واژگان نظری‌ای که در این تبیین دخیل هستند، محدود می-شود (گیررتس، ۱۳۲). از دیدگاه لاینز می‌توان مفهوم واژه را از راه روابط مفهومی آن کشف کرد

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

(گیررتس، ۱۸۵) (به نقل از سیدخراسانی و فتحی، ۱۳۹۸، ۱۱۳-۱۳۵). رابطه هم‌نشینی از نشانه-های زبانی است که به ترکیب کلمات در جمله مربوط است. به نسبت کلماتی که در همسایگی یک واژه قرار گرفته‌اند، رابطه هم‌نشینی می‌گویند (افراشی، ۱۳۷۷، ۳۱۹) که از عوامل موثر در تولید معنا هستند (چندلر، ۱۳۹۴، ۱۳۳) (به نقل از فلاح، ۱۴۰۱، ۲۶۷-۲۸۹). چون در قران واژه توزیع درآمد به کار نرفته است و هدف توزیع مجدد درآمد حرکت به سمت برابری درآمدی است، در اینجا، بررسی بر روی برابری برپایه روابط هم‌نشینی آن با موضوع و مصداق‌های برابری و نابرابری در قران انجام می‌شود.

۳. برابری و نابرابری انسان‌ها در قران

در قران واژه برابری (سَوَی) در ۲۵ آیه برای نشان دادن نابرابری و در ۹ آیه برای نشان دادن برابری پدیده‌ها به‌کار رفته است.

۳،۱. موضوع برابری در قران

در ۹ آیه قران واژه برابری برای نشان دادن برابر بودن برخی امور به‌کار رفته است. خداوند در قران بیان داشته است که انسان‌ها را یکسان دانسته است. در آیه ۱۰ فصلت[۱] در آفرینش نعمت‌های عام، می‌فرماید اینها برای استفاده همه روزی خواهان به یکسان آفریده شده است. این تنها آیه‌ای است که به موضوع دارایی و درآمد در برابری مرتبط است و همه را دارای حق بهره‌برداری برابر می‌داند. همچنین در آیه ۱۰۹ انبیا آمده است که پیامبران به صورت برابر انسان‌ها را مورد دعوت قرار داده‌اند. در آیه ۲۵ **سوره** حج می‌فرماید خدا برای همه انسان‌ها در مسجدالحرام حق برابر قرار داده است. می‌توان گفت اینها به معنای آن است که خدا به انسان‌ها حق حیات برابر و همچنین حق برابر برای بهره‌برداری آزادانه از منابع این جهان داده است. توجه شود در اینجا معنای برابری در مالکیت نیست. زیرا اینجا برابری به معنای مشاع است. یعنی اگر یک شخص هزاران بار هم به مسجدالحرام برود و بماند و یک فرد با اختیار خود هیچ نرود، هیچ ناحقی رخ نداده است، ولی هیچ کس حق ندارد مانع حضور دیگری شود یا سبب آن را فراهم آورد. خدا حق عام برابر به انسان‌ها داده است. از این‌رو می‌توان گفت انسان‌ها در ذات برابر هستند و برپایه دیدگاه قرانی همه آنها حق حیات برابر و حق برخورداری برابر از اختیارات انسانی و منابع دارند. برپایه قران، در هرگونه برخورد

---

۱ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَٰسِيَ مِن فَوۡقِهَا وَبَٰرَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَآ أَقۡوَٰتَهَا فِيٓ أَرۡبَعَةِ أَيَّامٖ سَوَآءٗ لِّلسَّآئِلِينَ فصلت، ۱۰.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

با انسان‌ها باید به صورت اولیه، آنها برابر دانسته شوند. این برابری ذاتی هنگامی کـه در برخـورد بـا انسان‌ها وارد می‌شود، در اصل برخورداری همگانی از حقوق پایه برابر انسانی، نمایان می‌شود.
در آیه ۵۸ سوره طه تعیین مکان قرار ملاقات موسی با فرعون و ساحران به‌گونـه‌ای کـه ایـن مکـان برای طرف‌ها، شرایط برابری داشته باشد، نشانه‌ای از حق اولیه برابـر انسـان‌ها در توافق‌هـای میـان خودشان است. در این آیه مکان دارای شرایط برابر برای طرفین یا همه به‌کار رفته است. افـزون بـر این آیه‌های دیگر درباره رضایت طرفین در توافق‌های مختلف نیز می‌تواند نشانه‌ای بر این حق برابـر در تعیین امور مشترک انسان‌ها باشد. براین پایه موضوع اصلی برابری، حق انسانی اسـت کـه میـان همه انسان‌ها یکسان است[۱].

با این وجود قران به صورت روشن امور دیگری را نیز برابر و یکسان دانسته است که بـه برابـری مفهومی یاد شده انسان‌ها مربوط نمی‌شود و تنها برخی از ویژگی‌های انسان‌ها را برابر دانسته اسـت. آیه ۸۹ نساء، کفر انسان‌های کافر و افرادی که کافر می‌شوند را برابر دانسته است. آیه ۶۴ آل‌عمـران نیز پرستش خدا از سوی اهل کتاب را یکسان دانسته است. این به معنای آن است که اگر افراد غیر از ذات مشترک انسانی در ویژگی دیگری یکسان باشند، می‌توان آن ویژگی آنها را برابر دانست.

جدول ۱. برابری‌های بیان شده در قران

موضوع	مصداق	آیه و **سوره**
یکسانی اثر دو رفتـار متفـــاوت بعـــد از حصول نتیجه	یکسانی نتیجه صبر کردن و نکردن کافران در آتش جهنم	۱۶ طور
	یکسانی نتیجه صبر کردن و بیتـابی کـافران در روز قیامت	۲۱ ابراهیم
یکسانی عقیده	یکسان بودن پرستش خدای یگانه میان اهل کتاب	۶۴ آل‌عمران

۱. طباطبایی در المیزان می‌نویسد: خلقت همگانی، همه را به جهازی که به‌سوی حیات اجتماعی با تمتـع از امتعـه حیات زمین هدایت کند، مجهز ساخته تـا هریـک به‌قـدر ارزش وجـودی و وزن اجتمـاعی خـویش بهره‌منـد شـود (طباطبایی، ۱۳۸۰، ج ۱۶، ص ۸). همان‌گونه که همه انسان‌ها یکسان هسـتند، بـه‌طور برابـر، دارای حـق حیـات و حقوق تشریع شده در جامعه هستند (طباطبـایی، ۱۳۸۰، ج ۲، ۱۷۸) و بـه‌طور برابـر، حـق برخـورداری از مزایـای حیات را نیز دارند. تساوی بین افراد تنها برای این است که هر صاحب حقی به حقش برسد (طباطبـایی، ۱۳۸۰، ج ۲، ۴۱۴). باید همه افراد و اجزای اجتماع در هر حکمی برابر باشند. حکم‌هایی که علیه هر فرد است نیـز بایـد برابـر حکم‌هایی باشد که به نفع او است. البته این برابری را باید با حفظ وزنی کـه افـراد در اجتمـاع دارنـد رعایـت کـرد (طباطبایی، ۱۳۸۰، ج۲، ص ۲۴۹).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

	یکسانی کافر با کافرشونده در کفر	۸۹ نساء
یکسان انگاشتن به خطا	برابر دانستن خدا و غیر خدا از سوی کافران	۹۸ شعرا
یکسانی برای دوطرف اختلاف	انتخاب مکان قرار ملاقات که برای دوطرف یکسان باشد	۵۸ طه
نگاه یکسان خدا به انسان‌ها	یکسانی انسان‌ها در حق بهره‌برداری از نعمت‌های عام	۱۰ فصلت
	دعوت برابر انسان‌ها توسط انبیا	۱۰۹ انبیا
	قراردادن مسجدالحرام برای همه به‌طور یکسان از سوی خدا	۲۵ حج

۳،۲. موضوع نابرابری در قران

در قران واژه برابری (سَوَی) کمتر برای نشان دادن برابری افراد استفاده شده است. این واژه بیشتر برای نشان دادن نابرابر بودن پدیده‌ها و ویژگی‌ها و کارکردهای انسان‌ها به‌کار رفته است. این واژه در ۲۵ آیه برای نشان دادن نابرابری در پدیده‌های مختلف و ویژگی انسان‌ها درزمینه توانایی و کردارهای متفاوت آنها به‌کار رفته است. ۴ آیه برای نشان دادن تفاوت کردار انسان‌ها از تفاوت پدیده‌های طبیعی مثال زده است. دو آیه نیز نوع کارها را معیار دانسته و کار خوب و بد و پاک و ناپاک را نابرابر بیان کرده است. آیه‌های دیگر به تفاوت در کردار افراد پرداخته است. این تفاوت‌ها جنبه‌های گوناگونی از تفاوت‌های موجود در توانایی و کردار انسان‌ها را نشان می‌دهد که می‌تواند معیارهایی برای تعیین و دادن پاداش در زندگی پس از مرگ و نیز برای تعیین پاداش و دستمزد افراد در این جهان باشد.

یک معیار، سلامت اعضای بدن است که بیشتر مثالی برای داشتن درک درست از مسایل و توانایی انجام کار و اثرگذاری است. آیه‌های ۱۹، ۲۲ و ۵۸ غافر، ۵۰ انعام، ۲۴ هود و ۱۶ رعد به تفاوت توانایی‌های جسمانی انسان‌ها مانند شنوایی و ناشنوایی، بینایی و نابینایی و زنده و مرده اشاره و بیان می‌کنند که انسان‌های دارای توانایی‌های جسمانی متفاوت، از جنبه کارایی برابر نیستند. یک معیار دیگر، توانایی جسمانی افراد همراه استفاده از آن توانایی است. قران در آیه‌های ۲۲ ملک، ۷۵ و ۷۶ نحل توانایی انجام کار یا ناتوانی در انجام کار انسان‌ها را نابرابر و مستحق نتیجه متفاوت می‌داند. معیار دیگر، توانایی‌های اکتسابی است. آیه‌های ۹ زمر و ۱۹ رعد، ویژگی‌های اکتسابی دانا و نادان و دانشمند و کوردل را نابرابر می‌داند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

یک معیار مهم نیز نوع و ماهیت کار است که انجام دهنده آن را متفاوت می‌کند. آیه‌های متعددی نابرابری انجام دهنده یا فاعل کار را برپایه کار بیان کرده است. آیه ۵۸ غافر، مومن نیکوکار و گنهکار، آیه ۹ زمر، سجده کننده شب‌زنده‌دار و کافر ناسپاس، آیه‌های ۱۸ فصلت و ۲۱ جاثیه، مومن و گنهکار، آیه ۲۸ روم، خالق و مخلوق و همچنین ۲۸ روم، برده و شریک آزاد را نابرابر دانسته‌اند. یک معیار نیز در آیه ۱۹ توبه، دو نوع کار خوب و بهتر انسان‌ها را نابرابر می‌داند، یکی کار سیراب کردن حاجیان و آبادسازی مسجدالحرام و دیگری، کار کسی که به خدا و روز قیامت ایمان آورده و در راه خدا جهاد می‌کند. در این آیه جهادکننده برتر دانسته شده است.

در برخی آیه‌های قران، انجام دادن یا انجام ندادن کار انسان‌ها را نابرابر دانسته‌اند. آیه ۷۵ نحل بنده‌ای که در تملک دیگری درآمده است، به‌گونه‌ای که توانایی هیچ کاری را ندارد با شخص دیگری که خدا به او روزی خوب داده است و از آن در نهان و آشکار انفاق می‌کند، نابرابر تلقی کرده است. همچنین در آیه ۷۶ نحل شخص لال را که توانایی انتقال پیام و کارهای مشابه را ندارد و سربار مولای خویش است و به هرجا که روانه‌اش کنند، خیری نمی‌آورد با شخصی که پیوسته به عدل فرمان می‌دهد و خود در راه درست است، نابرابر دانسته است. در آیه ۹۵ نسا، خانه‌نشینان بی‌عذر را با کسانی که در راه خدا با اموال و جان‌هایشان جهاد می‌کنند، نابرابر دانسته است. در آیه ۱۱۳ آل‌عمران شب‌زنده‌داری را معیار نابرابری اهل کتاب می‌داند، در دو دسته که شب‌زنده‌داری می‌کنند و نمی‌کنند.

معیار دیگر نابرابری، در انجام دادن به موقع کار است. آیه ۱۰ حدید، مجاهدان و انفاق کنندگان پیش از فتح را با مجاهدان و انفاق کنندگان پس از فتح نابرابر می‌داند و پاداش آنها را متفاوت بیان می‌کند.

یک نکته مهم در این زمینه نیز تفاوت اثربخشی کار است که تفاوت در اثربخشی کار نیز تفاوت در نتیجه کار برای انجام دهنده کار را ایجاب می‌کند. می‌توان آیه‌های ۱۰ حدید، ۷۵ و ۷۶ نحل، ۲۲ ملک و مانند اینها را نشانه پذیرش تفاوت اثربخشی کار افراد در قرآن دانست.

یک نکته بسیار مهم دیگر که می‌توان از قران دریافت، این است که نابرابری از دیدگاه قران تک معیاری نیست. در قران برخی انسان‌ها با داشتن یک یا چند ویژگی مشترک، برپایه ویژگی دیگری نابرابر دانسته شده‌اند. یک مثال طبیعی در آیه ۱۲ فاطر آمده که دو دریای آب شیرین و شور نابرابر هستند، ولی در استفاده انسان از منابع آن برابر هستند. آیه ۱۱۳ آل‌عمران اهل کتاب را یکسان، ولی برخی از آنها را که شب‌زنده‌داری و تلاوت آیات خدا می‌کنند با آنها که این کار را نمی‌کنند، نابرابر دانسته است. آیه ۹۵ نساء نیز مومنان را دو دسته می‌کند. هرچند مومنان در داشتن ایمان (نه اندازه آن) همانند هستند، ولی مومنان خانه‌نشین بی‌عذر که برای جهاد نکردن توجیه ندارند را

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

نابرابر با مومنانی می‌داند که در راه خدا با اموال و جان‌هایشان جهاد می‌کنند. نکته قابل برداشت دیگر این که آنهایی که جهاد نمی‌کنند را نیز به دو دسته باعذر و بی‌عذر جدا کرده و نابرابر دانسته است.

قران درباره نتیجه کارها به‌صورت مشخص در جاهای مختلفی حق افراد را نابرابر دانسته است. در آیه ۲۱ جاثیه با استفاده از واژه برابری، افراد گنهکار در زندگی این جهان و زندگی پس از مرگ، دارای وضعیتی نابرابر دانسته شده‌اند. همچنین آیه ۲۰ حشر بهشتیان و دوزخیان (یعنی انسان‌های دست یافته به دو نتیجه متفاوت در اثر عملکرد متفاوت) را نابرابر دانسته است. می‌توان به روشنی گفت که هرچند قران انسان‌ها را برابر می‌داند ولی در اینکه پاداش افراد باید به تناسب کار آنها باشد، بسیار تاکید دارد و کار متفاوت که ناشی از ویژگی‌های متفات است را موجب دستمزد، سود، درآمد، پاداش و نتیجه متفاوت می‌داند. بر این پایه نتیجه نابرابر برای کار متفاوت را درست می‌داند.

افزون بر این قران در بسیاری از جاها توزیع اولیه و یا ثانویه طبیعی متفاوت را نیز به خدا نسبت می‌دهد و اگر این باور باشد که خدا غیرعدالت انجام نمی‌دهد، این توزیع اولیه متفاوت نیز عادلانه است. برای نمونه در آیه ۲۶ رعد[۱]می‌فرماید خدا به اراده خود روزی افراد را کم یا زیاد می‌کند. در آیه ۳۲ زخرف[۲] تقسیم روزی در زندگی دنیا را به خدا نسبت می‌دهد. در آیه ۷۱ نحل[۳] می‌فرماید خداوند رزق گروهی را بر گروه دیگری برتری داده است.

بر این پایه نابرابری در قران یک اصل است. به ویژه با متن آیه‌های دیگر قران روشن‌تر دیده می‌شود. برای نمونه در آیه ۶ منافقون[۴] خدا بیان می‌کند ای پیامبر، حتی اگر تو هم درخواست کنی، نتیجه و مجازات فاسقان تغییر نخواهد کرد. یعنی نابرابر بودن نتیجه کار متفاوت، در قران و نزد خدا، اصل ثابت و تغییرناپذیر است[۵]. تاکید بر این نکته مهم است که در قران انسان‌ها برابر هستند، ولی کار متفاوت، حق آنها در پاداش و دستمزد را نابرابر می‌کند.

---

۱ الله یبسط الرزق لمن یشاء و یقدر. رعد، ۲۶.

۲ نحن قسمنا بینهم معیشتهم فی الحیاه الدنیا و رفعنا بعضهم فوق بعض درجات لیتخذ بعضهم بعضا سخریا. زخرف، ۳۲.

۳ وَٱللَّهُ فَضَّلَ بَعۡضَكُمۡ عَلَىٰ بَعۡضٖ فِي ٱلرِّزۡقِۚ فَمَا ٱلَّذِينَ فُضِّلُواْ بِرَآدِّي رِزۡقِهِمۡ عَلَىٰ مَا مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُهُمۡ فَهُمۡ فِيهِ سَوَآءٌۚ أَفَبِنِعۡمَةِ ٱللَّهِ يَجۡحَدُونَ. نحل، ۷۱.

٤ سَوَآءٌ عَلَيۡهِمۡ أَسۡتَغۡفَرۡتَ لَهُمۡ أَمۡ لَمۡ تَسۡتَغۡفِرۡ لَهُمۡ لَن يَغۡفِرَ ٱللَّهُ لَهُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلۡفَٰسِقِينَ. منافقون، ٦ .

۵ در دیدگاه طباطبایی حقوق افراد متناسب با جایگاه اجتماعی آنان متفاوت است و تنها در جایی حق دو فرد یکسان است که اثرگذاری آن دو در جامعه یکسان باشد. یکسانی جایگاه اجتماعی به معنای اندازه تاثیر افراد در تأمین نیازمندی‌ها و امور زندگی جامعه است، یعنی هرکس باید به اندازه حقش که حاصل تلاش و موقعیت خودش است، از مواهب جامعه برخوردار شود (طباطبایی، ۱۳۸۰، ج ۲، ۲۴۹). اگر احوال و استعداد افراد در به‌دست آوردن مزایای زندگی مختلف است و بعضی می‌توانند از اینجا و آنجا بیشتر از دیگران آن مواهب را به‌دست

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

جدول ۲. نابرابری‌های پذیرفته شده در قران

موضوع	مصداق	آیه/سوره
تمثیل تفاوت پدیده‌های طبیعی برای انسان	سایه و بادهای سوزان	۲۱ فاطر
	تاریکی و روشنایی	۱۶ رعد و ۲۰ فاطر
	دو دریای آب شیرین و شور	۱۲ فاطر
نابرابر دانستن نوع کار انسان	کار ناپاک و پاک	۱۰۰ مائده
	کار خوب و بد	۳۴ فصلت
نابرابر دانستن ویژگی‌های جسمانی انسان‌ها	بینا و نابینا	۵۸ غافر، ۵۰ انعام، ۲۴ هود، ۱۶ رعد و ۱۹ فاطر
	زندگان و مردگان	۲۲ فاطر
	ناشنوا و شنوا	۲۴ هود
نابرابر دانستن توانمندی انجام کار انسان‌ها	تفاوت انسان توانمند و انسان ناتوان	۲۲ ملک، ۷۵ و ۷۶ نحل
نابرابر دانستن ویژگی‌های اکتسابی انسان‌ها	دانشمند و بی‌دانش	۹ زمر
	دانا و کوردل	۱۹ رعد
دادن صفت نابرابر به	مومن نیکوکار و گنهکار	۵۸ غافر

آورند، نوع انسانیت هم باید این حق را به او بدهد و عقل حکم می‌کند این حق به نوع انسانیت داده شود (طباطبایی، ۱۳۸۰، ج ۳، ۳۹۴).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

انسان‌ها برپایه نوع و ماهیت کار	سجده کننده شب‌زنده‌دار و کافر ناسپاس	۹ زمر
	مومن و فاسق	۱۸ فصلت
	گنهکار و مومن	۲۱ جاثیه
	خالق و مخلوق	۲۸ روم
	برده و شریک ازاد	۲۸ روم
نابرابری نوع کار خوب و بهتر انسان‌ها	کار سیراب کردن حاجیان و آبادسازی مسجدالحرام در برابر کار کسی که به خدا و روز قیامت ایمان آورده و در راه خدا جهاد می‌کند	۱۹ توبه
نابرابری انجام دادن و انجام ندادن کار توسط انسان	بنده‌ای که به ملک دیگری درآمده است، به‌طوری که بر هیچ چیزی توان ندارد و شخص دیگری که او را روزی خوب عطا کرده‌ایم و از آن در نهان و آشکار انفاق می‌کند	۷۵ نحل
	شخصی لال که بر هیچ چیزی توان ندارد و سربار مولای خویش است و به هر کجا که روانه‌اش کنند خیری نمی‌آورد، با شخصی که پیوسته به عدل فرمان می‌دهد و خود بر راه درست است	۷۶ نحل
	مؤمنان خانه‌نشین بی‌عذر با مؤمنانی که در راه خدا با اموال و جان‌هایشان جهاد می‌کنند	۹۵ نساء
	یکسان نبودن اهل کتاب که شب زنده داری می کنند با آنها که نمی کنند	۱۱۳ ال عمران
نابرابر دانستن انسان‌ها برپایه انجام به‌موقع کار و بی‌موقع	مجاهدان و انفاق کنندگان پیش از فتح با مجاهدان و انفاق کنندگان پس از فتح	۱۰ حدید
نابرابر دانستن انسان‌ها بر پایه برخی ویژگی‌ها با یکسانی در برخی ویژگی‌های دیگر	یکسان نبودن اهل کتاب که شب زنده داری می کنند با آنها که نمی کنند	۱۱۳ ال عمران
	مؤمنان خانه نشین بی عذر با مومنانی که در راه خدا با اموال و جان هایشان جهاد می‌کنند	۹۵ نساء
نابرابر دانستن انسان‌ها بر	یکسان نبودن گنهکار در زندگی و مرگ	۲۱ جاثیه

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

پایه نتیجه کار	بهشتیان و دوزخیان	۲۰ حشر
خود نابرابر و برای انسان برابر	دو دریای آب شیرین و شور برابر بربهره برداری انسان	۱۲ فاطر

۴. تحلیل توزیع و برابرسازی درآمد در قران

تحلیل در ۳ بعد تکمیل می‌شود.

۴،۱. بررسی مجوز دخالت در توزیع بازاری

در هیچ جایی از قران اجازه دخالت در توزیع بازاری درآمدها و قیمت‌ها داده نشده است. تنها در برخی آیه‌ها به افراد توصیه شده است از درآمد و دارایی خود پرداخت زکات، صدقه، انفاق و مانند اینها داشته باشند که به صورت مشخص همه اینها در قران، قالب مستحب و اختیاری دارد. هیچ جایی از قران هیچ پرداختی از محل درآمد فعالان اقتصادی در این‌گونه قالب‌ها الزامی نشده است و هیچ دستور دریافت اجباری از سوی دولت یا شخص و نهاد دیگری در این زمینه وجود ندارد. تنها پرداخت اجباری برای توزیع میان دیگران که نص صریح قرانی داشته باشد،، خمس است که به غنیمت (جنگی یا گنج) تعلق می‌گیرد و حاصل فعالیت اقتصادی افراد نیست[۱]. این هم مختص توزیع میان فقرا نیست، بلکه شبیه به سنت عربی پیش از اسلام است که بخشی از غنیمت‌های جنگی به رییس قبیله می‌رسیده است. دیگر توزیع‌های مطرح شده مانند فیء نیز درآمد افراد نیست[۲]. مال بی‌مالک است. آیه‌ای که گفته می‌شود به پیامبر (ص) اجازه دریافت زکات داده شده است، درباره صدقه‌ای است که افراد خودشان اصرار به پرداخت داشته‌اند. پس از بازگشت پیامبر و یارانش از تبوک، برخی کسانی که به جنگ نرفته بودند و می‌خواستند این کار خود را جبران کنند، به پیامبر (ص) گفتند ما مبلغی صدقه می‌دهیم و شما نیامدن ما به جنگ را ببخشید و از خدا بخواهید ما را ببخشد. پیامبر (ص) فرمود من اجازه این کار را ندارم. آیه نازل شد که ای پیامبر از آنها صدقه را بگیر و برایشان دعا کن[۳]. سپس پیامبر (ص) هم این کار را کرد. می‌بینیم که نه تنها توزیع بازاری موضوع این آیه نیست، بلکه در این دریافت نیز هیچ اجباری وجود ندارد. به صورت موکد می‌توان گفت در قران هیچ توزیع مجدد اجباری و حکومتی از درامد حاصل فعالیت اقتصادی

---

۱ آیه ۴۱ سوره انفال

۲ آیه ۷ تا ۹ سوره حشر

۳ آیه ۱۰۳ سوره توبه

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

مردم نیست. به سخن دیگر توزیع به بازار سپرده شده و توزیع مجدد به اختیار خود مالک درآمد و دارایی است.

۴،۲. بررسی مجوز برابرسازی در قران

در قران تنها در دو آیه، رفتاری از دو دسته انسان با واژه برابر معرفی شده است. یکی در آیه ۶۴ آل‌عمران که پرستش خدای یگانه میان اهل کتاب را یکسان دانسته و دیگری در آیه ۸۹ نساء که کفر کافران و کفر کافر شوندگان را برابر دانسته است. درباره این دو آیه چند نکته وجود دارد. یکی اینکه این دو آیه موضوع باور و اعتقاد را مطرح کرده است. هر چند ایمان می‌تواند کم و زیاد داشته باشد، ولی نفس وجود باور به خدای یگانه و اصل اعتقاد، یکی دانسته شده است. نکته دوم اینکه افراد یکی دانسته نشده‌اند، بلکه باور آنها یکی دانسته شده است. سوم اینکه موضوع اینها رابطه انسان با خدا است و رابطه انسان‌ها با یکدیگر نیست.

همچنین واژه برابری نتیجه تنها در دو جا، آیه‌های ۱۶ طور و ۲۱ ابراهیم برای نشان دادن نتیجه برابر برای دوکردار متفاوت صبر کردن و بی‌تابی کردن هنگام مجازات آخرتی به‌کار رفته است. چند نکته در این زمینه وجود دارد: یکی اینکه این دو آیه یک موضوع را مطرح کرده‌اند. دوم اینکه این دو کردار برای یک فرد است. سوم و مهمتر اینکه این برابری یا بی‌اثر بودن برای کار، بعد از دادن نتیجه است و گفته شده است پشیمانی پس از دادن نتیجه موجب تفاوت و تغییر پاداش داده شده، نمی‌شود. یعنی درباره برابری پاداش و نتیجه نیست. چهارم اینکه می‌توان گفت اینها دو نوع عکس‌العمل روحی برای نتیجه به‌دست آمده است و کار مستقل به شمار نمی‌آید.

در آیه ۹۸ شعرا نیز از زبان مشرکان بیان شده است که مشرکان خدا را با غیرخدا برابر دانسته‌اند که این برابر پنداشتن به عنوان یک خطای برداشت از سوی کافران بیان شده است. یک خطا در تشخیص غیر عینی یا با تعبیر دیگر، باور درباره برابری است.

با این وجود با توجه به آیه‌هایی که نابرابری پاداش یا نتیجه را برای انسان‌ها در کردارهای مختلف بیان می‌کند، می‌توان گفت انسان‌ها برپایه کارهایی که انجام می‌دهند، استحقاق دستیابی به نتیجه و پاداش نابرابر دارند، یعنی هر کس حقی به تناسب کارش دارد و مقدار حق افراد متفاوت می‌شود. شاید بتوان گفت اگر کردار انسان‌ها و اثر آن برابر باشد، می‌توان در آن زمینه آنها را برابر دانست، نتیجه کارشان را نیز برابر ارزیابی کرد و براین پایه پاداش برابر داد. ولی افرادی که کار نابرابر (از هر جنبه‌ای) می‌کنند، از این جهت نابرابر دانسته می‌شوند و هرگونه نتیجه برای آنها نابرابر خواهد بود. اگر قرار بر پاداش دادن به آنها باشد، باید پاداش نابرابر و متناسب با کار هر شخص به آنها داد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

برای توضیح بهتر به بحث مختصر زیر توجه شود.

۵. بررسی ادعاهای توزیع مجدد اجباری و دولتی درآمد و ثروت برای برابری

برخی بیان کرده‌اند که توزیع مجدد درآمدها در اسلام یک اصل است[۱]. برخی نیز از آن به عنوان اصل توازن اجتماعی یاد کرده‌اند[۲]. از این‌رو دولت باید توزیع مجدد اجباری انجام دهد. به نظر می‌رسد این برداشت‌ها بیشتر دیدگاه‌های شخصی است که ارایه کنندگان آنها تلاش داشته‌اند دیدگاه خود را به دین نسبت دهند. البته بیشتر آنها برای توجیه دیدگاه خود به منابع غیر قرانی استناد کرده‌اند، برخی نیز کوشیده‌اند توجیهی قرانی برای ایده خود ارایه کنند. در اینجا برای رد توجیه‌های قرآنی اصل بودن برابری درآمد و ثروت در اسلام، اشاره‌ای به برداشت درست و مستند به قران برای این استنادها می‌شود.

یکی از مستندهای استفاده شده برای توجیه دخالت دولت برای توزیع مجدد درآمد در اسلام آیه ۷ تا ۹ سوره حشر است. قران در این آیه می‌فرماید[۳]: آنچه خداوند (به عنوان فیء) از (اموال) اهل شهر و روستاها بر فرستاده خویش بازگردانید متعلق به خدا و رسولش و خویشان او و یتیمان و مسکینان و در راه ماندگان است، تا میان ثروتمندان شما دست به دست نگردد و آنچه را فرستاده ما به شما داد (از احکام و معارف و اموال) بگیرید و از آنچه شما را منع و نهی کرد باز ایستید و از خدا پروا کنید که خداوند سخت‌کیفر است. (بخشی از فیء) برای فقیران مهاجری است که از خانه‌ها و اموالشان بیرون رانده شده‌اند، درحالی که فضل و خشنودی خدا را می‌طلبند و خدا و فرستاده او را یاری می‌کنند، آنها همان صادقانند. و (بخشی) برای کسانی (از انصار) است که . . .. (ترجمه مشکینی، علی) از ظاهر این آیه برمی‌آید که می‌خواهد موارد مصرف فیء در آیه قبلی را بیان کند. و فیء در آن آیه را که خصوص فیء بنی نضیر (یکی از قبیله‌های یهودی مدینه که دسته جمعی آنجا را ترک کردند و دارایی‌های به‌جا مانده آنها موضوع این آیه است) بود به همه فیءهای دیگر عمومیت دهد و بفرماید حکم فیء مخصوص فیء بنی نضیر نیست، بلکه همه فیءها همین حکم را دارد (طباطبایی، ۱۳۸۰، ج ۱۹، ص ۳۵۲). بر این پایه این آیه ربطی به توزیع مجدد درآمد ندارد. فی، دارایی (مال) بی‌صاحب است که به علتی مالک، آن را رها کرده یا بی‌مالک مانده است. البته

---

۱ از جمله توتونچیان و عیوضلو (۱۳۷۹)

۲ صدر، محمدباقر، (۱۳۵۷) اقتصاد ما.

3 مَّآ أَفَآءَ ٱللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِۦ مِنۡ أَهۡلِ ٱلۡقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي ٱلۡقُرۡبَىٰ وَٱلۡيَتَٰمَىٰ وَٱلۡمَسَٰكِينِ وَٱبۡنِ ٱلسَّبِيلِ كَيۡ لَا يَكُونَ دُولَةَۢ بَيۡنَ ٱلۡأَغۡنِيَآءِ مِنكُمۡۚ وَمَآ ءَاتَىٰكُمُ ٱلرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَىٰكُمۡ عَنۡهُ فَٱنتَهُواْۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَۖ إِنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ (حشر،۷) لِلۡفُقَرَآءِ ٱلۡمُهَٰجِرِينَ ٱلَّذِينَ أُخۡرِجُواْ مِن دِيَٰرِهِمۡ وَأَمۡوَٰلِهِمۡ يَبۡتَغُونَ فَضۡلٗا مِّنَ ٱللَّهِ وَرِضۡوَٰنٗا وَيَنصُرُونَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥٓۚ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلصَّٰدِقُونَ (حشر، ۸)

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

درباره این آیه‌ها، فخر رازی گفته است شأن نزول آن فدک است، چون در جریان فدک، یهودیانی که در فدک بودند، آنجا را بدون جنگ و خونریزی ترک کردند (فخر رازی، مفاتیح الغیب، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۹، ص ۵۰۶) که در تعبیر فیء تفاوتی ایجاد نمی‌کند.

در توزیع مجدد، اجباری دولتی، دارایی متعلق به افراد است، در چارچوب بازاری کسب شده و حاصل فعالیت اقتصادی افراد است و از طریق مالیات یا شیوه دیگر گرفته می‌شود (یا دارایی همگانی را که همگان در آن سهم برابر دارند) به افراد با درآمد یا دارایی کمتر، تخصیص داده می‌شود. یعنی دارایی برخی افراد جامعه به افراد دیگر داده می‌شود. در حالی که فی، مال کسی نیست، بلکه مال بی‌مالک است که به گروه‌های خاصی مانند پیامبر و نزدیکان او، فقرا و نیز مهاجران و انصار و مانند اینها تخصیص داده شده است. مهمتر اینکه همه اینها نیز فقرای جامعه نیستند. یعنی این حکم قرانی دو ویژگی اصلی توزیع مجدد را ندارد: یکی اینکه مال ثروتمندان را از آنان نمی‌گیرد تا به کس دیگری تخصیص دهد و دوم اینکه مال را تنها به فقرا تخصیص نمی‌دهد، زیرا پیامبر و نزدیکان او و برخی انصار که موضوع این آیات هستند، به طور نسبی از ثروتمندان زمان هستند. نکته بسیار مهم در این زمینه این است که این دارایی به کسی تعلق ندارد و در مالکیت فردی از جامعه مسلمانان نبوده است. در اینجا قرار است با این حکم برای مال بی مالک، مالک تعیین شود. از این‌رو درست نیست آن را در دامنه توزیع مجدد قرار دهیم و شاید درست‌تر این است که این در دامنه قاعده‌ها یا علت‌های اولیه مالکیت دانسته شود. این آیه نمی‌تواند مستند توزیع مجدد درآمد باشد.

یکی از آیه‌های دیگر قران که از سوی برخی افراد برای توجیه توزیع مجدد درآمد استفاده می‌شود، آیه ۳۴ توبه[۱] است. ولی به‌نظر می‌رسد این آیه نیز نمی‌تواند مستند توزیع مجدد درآمد باشد. قران در این آیه می‌فرماید ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بسیاری از احبار و رهبان اموال مردم را به باطل می‌خورند و از راه خدا جلوگیری می‌کنند و کسانی را که طلا و نقره گنجینه می‌کنند و آن را در راه خدا انفاق نمی‌کنند، به عذاب دردناکی بشارت ده (ترجمه المیزان). در المیزان آمده است که ظاهرا این آیه اشاره به توضیح جمله‌ای که در اول آیات مورد بحث، آمده و می‌فرمود: لا یحرمون ما حرم الله و رسوله و لا یدینون دین الحق، است. آن را تا حدی تشریح می‌کند. همچنان که آیه مورد بحث به منزله توضیح برای این جمله است: الذین لا یومنون بالله و لا بالیوم الاخر. جمله لا یحرمون را این آیه (۳۴ توبه) توضیح می‌دهد و آن را به روشن‌ترین مصداقش و مهمترین آنها از نظر تاثیر در بشر و ابطال غرض و هدفی که دین در بشر دارد بیان می‌کند. (طباطبایی،

---

۱ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ ٱلۡأَحۡبَارِ وَٱلرُّهۡبَانِ لَيَأۡكُلُونَ أَمۡوَٰلَ ٱلنَّاسِ بِٱلۡبَٰطِلِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِۗ وَٱلَّذِينَ يَكۡنِزُونَ ٱلذَّهَبَ وَٱلۡفِضَّةَ وَلَا يُنفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ فَبَشِّرۡهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٖ. توبه، ۳۴.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

المیزان، ج ۹، ص ۳۲۹-۳۳۰). هر چند اصل بحث و آیه‌ها مربوط به غیرمسلمانان است، ولی درباره ادامه آیه یعنی وَٱلَّذِينَ يَكْنِزُونَ ٱلذَّهَبَ وَٱلْفِضَّةَ وَلَا يُنفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ دو تعبیر است، یکی اینکه این به غیرمسلمانان مربوط است و دیگری اینکه برخی از جمله طباطبایی در المیزان آن را به مسلمانان نیز تعمیم داده‌اند. با این وجود در المیزان می‌نویسد: نهی آیه شریفه در داشتن پول نیست. بلکه نهی در حبس (دفینه کردن) آن است. چون اسلام مالکیت اشخاص را از حیث مقدار محدود نکرده و حتی اگر شخص مفروض، هزارها برابر آن دفینه ثروت می‌داشت، ولی آن را حبس نمی‌کرد، بلکه آن را در معرض جریان قرار می‌داد، اسلام هیچ عتابی به او نداشت. چون با جریان ثروت او، هم خود او استفاده می‌کرد و هم دیگران از آن بهره‌مند می‌شدند و در عین اینکه در راه خدا انفاق نمی‌کرد، خائن به خدا و رسول به شمار نمی‌رفت. . . . (طباطبایی، ۱۳۸۰، ج ۹، ص ۳۳۴). نکته مهم اینکه در این آیه هیچ الزامی برای توزیع درآمد فرد از سوی جامعه اعلام نشده است و تنها انفاق نکردن را موضوعی دانسته که موجب عذاب آخرتی می‌شود و مهمتر اینکه اینجا انفاق به معنای خاص در جریان انداختن پول، نه بخشش مستقیم آن به دیگران است. همچنین در این ایه دستوری برای پیامبر یا هر حاکمی برای تصرف در مال این فرد ارایه نشده است و جریمه‌ای نیز برای این دنیای فرد تعیین نشده است. البته بحث مفصل است، ولی دست کم آنچه از این آیه برداشت می‌شود (که در المیزان نیز چنین برداشت شده است) این است که مقصود آیه توزیع مجدد درآمد اجباری یا حتی اختیاری نیست. براین پایه این آیه نیز نمی‌تواند مستند توزیع مجدد درآمد و ثروت باشد.

شاید بتوان گفت آیه ۳۹ نجم که می‌فرماید وَأَن لَّيْسَ لِلْإِنسَٰنِ إِلَّا مَا سَعَىٰ، یعنی نیست برای انسان جز آنچه را با سعی (کار) به دست می‌آورد، خط بطلانی بر ادعای توجیه توزیع مجدد درآمد و ثروت به معنای امروزین در قرآن باشد. براین پایه به استناد قران نباید مال را به کسی داد که برای به دست اوردن آن کار نکرده است. این به معنای آن است که دادن درامد و پاداش غیر متناسب با کار افراد به آنها پذیرفتنی نیست.

۶. اصل نابرابری درآمد و ثروت در قران

نابرابری درآمد و ثروت در قران یک اصل است. این اصل به دو صورت در قران بیان شده است: یکی نابرابری طبیعی اولیه دارایی و دیگری نابرابری در کسب درآمد و پاداش. در قرآن دو دسته واژه به نابرابری درآمد و دارایی اشاره دارند که یک دسته از واژه برتر بودن و دسته دیگر از واژه برابر نبودن استفاده کرده‌اند در واژه برتری که از ریشه فضل امده است، بیشتر منظور برتری طبیعی و خدادادی

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

در دارایی اشاره شده است و در دسته دوم از صورت پرسشی یا منفی واژه سوی استفاده شده است و بیشتر تاکید بر برابر نبودن پاداش افراد دارای عملکرد نابرابر است.

نابرابری طبیعی اولیه دارایی: قران در بسیاری از آیه‌ها توزیع اولیه و یا ثانویه طبیعی متفاوت را به خدا نسبت می‌دهد. اگر بپذیرم که خدا عادل است و دست کم به استناد قران ظلم نمی‌کند این توزیع متفاوت، ناعادلانه نیست، چون. برای نمونه در آیه ۲۶ رعد[۱] می‌فرماید خدا به اراده خود روزی افراد را کم یا زیاد می‌کند. در آیه ۳۲ زخرف[۲] تقسیم روزی در زندگی دنیا را به خدا نسبت می‌دهد. در آیه ۷۱ نحل[۳] می‌فرماید خداوند رزق گروهی را بر گروهی دیگر برتری داده است و حتی در ادامه آیه به این ویژگی ذاتی انسان‌ها اشاره می‌کند که با وجودی که خدا این را به انسان‌ها داده است، آنها تمایلی ندارند مالی را که متعلق به خود می‌دانند به دیگران بدهند. این ایه‌ها به اندازه‌ای روشن است که نیاز به توضیح خاصی ندارد. از این‌رو توزیع اولیه نابرابر دارایی میان افراد مختلف، مستقیم به خدا نسبت داده شده است. البته این توزیع نابرابر را می‌توان به توزیع ثانویه نیز تعبیر کرد. چون بر پایه دیدگاه قرانی خداوند سبب‌ساز نیز هست، در توزیع ثانویه نیز با سبب‌سازی، این تفاوت دارایی را سبب شده است. به هر حال آنچه روشن است اینکه خدا تفاوت دارایی را به خود نسبت داده است و نخواسته است برابری ایجاد کند. اگر بپذیریم خدا حکیم است، این نابرابری حکمتی دارد.

نابرابری در کسب پاداش و دستمزد: برپایه آیه‌های ۱۹، ۲۲ و ۵۸ غافر، ۵۰ انعام، ۲۴ هود و ۱۶ رعد نباید انسان‌های دارای توانایی‌های جسمانی متفاوت مانند شنوایی و ناشنوایی، بینایی و نابینایی و زنده و مرده را یکسان به شمار آورد. قران در آیه‌های ۲۲ ملک، ۷۵ و ۷۶ نحل انسان‌ها را در توانایی انجام کار، نابرابر و مستحق نتیجه متفاوت می‌داند. آیه ۲۸ روم، برده و شریک آزاد را نابرابر دانسته‌اند.آیه ۱۹ توبه، دو نوع کار افراد را مطرح می‌کند و جهادکننده برتر دانسته شده است. آیه ۷۵ نحل بنده‌ای که در تملک دیگری درآمده است و توانایی هیچ کاری ندارد را با شخصی که خدا به او روزی زیاد داده و از آن در نهان و آشکار انفاق می‌کند، نابرابر دانسته است. آیه ۷۶ نحل شخص لال را که توانایی انتقال پیام را ندارد و سربار مولای خود است و جایی روانه‌اش کنند، خیری ندارد با شخصی که به عدل فرمان می‌دهد و در راه درست است، نابرابر شناخته است. آیه ۹۵ نسا، خانه‌نشینان بی‌عذر را با کسانی که در راه خدا با مال و جان جهاد می‌کنند، نابرابر دانسته

---

۱ الله یبسط الرزق لمن یشاء و یقدر. رعد، ۲۶.

۲ نحن قسمنا بینهم معیشتهم فی الحیاه الدنیا و رفعنا بعضهم فوق بعض درجات لیتخذ بعضهم بعضا سخریا. زخرف، ۳۲.

۳ وَٱللَّهُ فَضَّلَ بَعۡضَكُمۡ عَلَىٰ بَعۡضٖ فِي ٱلرِّزۡقِۚ فَمَا ٱلَّذِينَ فُضِّلُواْ بِرَآدِّي رِزۡقِهِمۡ عَلَىٰ مَا مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُهُمۡ فَهُمۡ فِيهِ سَوَآءٌۚ أَفَبِنِعۡمَةِ ٱللَّهِ يَجۡحَدُونَ. نحل، ۷۱.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

است. آیه ۱۰ حدید، مجاهدان و انفاق کنندگان پیش از فتح را با مجاهدان و انفاق کنندگان پس از فتح نابرابر و پاداش آنها را متفاوت بیان می‌کند. آیه‌های ۱۰ حدید، ۷۵ و ۷۶ نحل، ۲۲ ملک و مانند اینها تفاوت اثربخشی کار را معیار تفاوت نتیجه یا پاداش کار می‌دانند.

بر این پایه قران درباره پاداش و دستمزد یا همان نتیجه، در جاهای مختلف به صورت روشن حق افراد را به تناسب کار، اثرگذاری و اثربخشی آنها دانسته است. بدون هیچ شبهه‌ای، به روشنی از قران برداشت می‌شود که درست آن است که کار متفاوت که ناشی از ویژگی‌های متفاوت است معیار دستمزد، سود، درآمد، پاداش و نتیجه باشد.

براین پایه، نابرابری نتیجه، برای کردار و ویژگی نابرابر و برابری پاداش برای کار برابر در قران یک اصل است. به ویژه با متن آیه‌های دیگر قران، روشن‌تر دیده می‌شود. برای نمونه در آیه ۶ منافقون[۱] خدا بیان می‌کند ای پیامبر، حتی اگر تو هم درخواست کنی، نتیجه و مجازات فاسقان تغییر نخواهد کرد. یعنی نابرابر بودن نتیجه کار متفاوت، در قران و نزد خدا، یک اصل پایه‌ای و تغییرناپذیر است[۲]. تاکید بر این نکته مهم است که در قران انسانیت انسان‌ها برابر است، ولی کار متفاوت، حق انسان‌ها در پاداش و دستمزد را نابرابر می‌کند.

۷. جمع‌بندی

برپایه آنچه بیان شد، در قران کار انسان‌ها و حاصل آن که مال حاصل از فعالیت اقتصادی افراد است، احترام ویژه‌ای دارد. معیار و مبنای پاداش و دستمزد افراد کار و فعالیت و اثر آنها است. از این‌رو در قران هیچ مجوزی برای برابری سازی دارایی و درآمد افراد و یا دخالت در توزیع بازاری درآمدها وجود ندارد. اختیار دارایی و درآمد تنها متعلق به کسی است که برای آن تلاش کرده است و برای دیگران هیچ چیزی نیست. همچنین قران در هیچ جایی پرداخت درآمد و دارایی افراد به دیگران را بدون مابه‌ازا مجاز ندانسته است. در این راستا هیچ توزیع اجباری مجددی بدون مابه‌ازا از

---

۱. سَوَآءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَن يَغْفِرَ ٱللَّهُ لَهُمْ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهْدِي ٱلْقَوْمَ ٱلْفَٰسِقِينَ. منافقون، ٦.

۲. در دیدگاه طباطبایی حقوق افراد متناسب با جایگاه اجتماعی آنان متفاوت است و تنها در جایی حق دو فرد یکسان است که اثرگذاری آن دو در جامعه یکسان باشد. یکسانی جایگاه اجتماعی به معنای اندازه تاثیر افراد در تأمین نیازمندی‌ها و امور زندگی جامعه است، یعنی هرکس باید به اندازه حقش که حاصل تلاش و موقعیت خودش است، از مواهب جامعه برخوردار شود (طباطبایی، ۱۳۸۰، ج ۲، ۲۴۹). اگر احوال و استعداد افراد در به‌دست آوردن مزایای زندگی مختلف است و بعضی می‌توانند از اینجا و آنجا بیشتر از دیگران آن مواهب را به‌دست آورند، نوع انسانیت هم باید این حق را به او بدهد و عقل حکم می‌کند این حق به نوع انسانیت داده شود (طباطبایی، ۱۳۸۰، ج ۳، ۳۹۴).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

درآمد افراد در قرآن مطرح نشده است. توزیع بین فقرا بـه طـور عمـده از امـوال بـدون صـاحب یـا پرداخت‌های اختیاری افراد در قالب انفاق‌ها است و در برخی موارد (خمس) نیز اموال حاصل از غیر فعالیت اقتصادی است. به صورت روشن می‌توان گفت اموال حاصل فعالیت اقتصادی افـراد تنهـا بـا اختیار آنها قابل انتقال به دیگران است. از این‌رو توزیع مجـدد اجبـاری و از سـوی حکومـت یـا هـر شخص دیگری به‌صورت دریافت از عده‌ای و پرداخت به دیگران در قران مطرح نشده است. این کـار با کلیت آموزه‌های قرانی نیز ناسازگار است. تنها راه کمک به فقرا از مسیر اخلاقی اختیاری کمک به دیگران در قران مطرح شده که یک عمل اخلاقی مثبت است. افزون بر اینها در قران نابرابری اولیـه دارایی و نابرابری ثانویه درآمد و دارایی طبیعی و ناشی از اراده الهی دانسته شده است.

در مقایسه با دیدگاه‌های دیگر می‌توان گفت دیدگاه‌های کمونیستی، سوسیالیستی و مشـابه آن درباره برابرسازی درآمد و دارایی و توزیع مجدد درآمدها و دارایی‌ها با قران سـازگار نیسـت بـا ایـن وجود با توجه به آیه‌های فران، به نظر می‌رسد اقدام حکومت بـرای فقرزدایـی از منبـع دارایی‌هـای بدون مالک یا پرداخت‌های اختیاری و مستحب افراد مجاز باشد.

یک نکته قالب تامل و مهم این است که در بیشتر بررسی‌های انجام شده در خارج از ایران ابـزار توزیع مجدد دارایی در اسلام را زکات اختیاری و غیـر دولتـی می‌داننـد. ماننـد محمـد و همکـاران (۲۰۱۳)، قیاس الحق (۲۰۱۳) و عبدالرحیم و فادما (۲۰۲۴) تاکید می‌کند توزیـع مجـدد در اسـلام این گونه است که زکات مستقیم از طرف زکات دهنده به نیازمندان پرداخت می‌شود، در حالی کـه در نظام‌های دیگر مالیات گرفته می‌شود و بخشی از آن به نیازمندان داده می‌شود.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

منابع

۱. قران کریم

۲. ابراهیمی‌زاد جویمی، رقیه؛ تلاشان، فرج (۱۳۹۳) اصول اخلاقی اقتصادی در عرصه توزیع از دیدگاه قرآن و احادیث، پژوهشنامه معارف قرآنی، دوره ۵، شماره ۱۷، صص ۱۲۵-۱۴۹.)

۳. ابراهیمی سالاری، تقی (۱۳۸۷) رویکرد مقایسه‌ای ارتباط رشد و توزیع درآمد از دیدگاه اسلام، مجموعه مقالات نخستین همایش اقتصاد اسلامی و توسعه، مشهد، صص ۶۰۶-۶۳۱.

۴. ابونوری، اسماعیل؛ قاسمی تازه‌آبادی، افسانه (۱۳۸۶) ارزیابی اثر ارزش افزوده قرض الحسنه بر توزیع درآمد (با استفاده از داده های پانل بین استانی)، شماره ۲۸، صص ۱۳۹-۱۶۸.

۵. اخوان طبسی، محمد حسین و روح‌الله داوری (۱۳۹۷) صورت‌بندی مفهوم عدالت در قران کریم بر مبنای معناشناسی واژه قسط، پژهشنامه تفسیر و زبان قران، شماره ۱۳، صص۱۰۷-۱۲۸

۶. اسکی، محمد شفیق، جهانگیر ولدبیگی و شاهرخ سالاریان (۱۳۹۹) تحلیل حق، عدالت و مسئولیت اجتماعی در آموزه‌های قرآنی، مطالعات تاریخ و تمدن ایران و اسلام، دوره ۵، ش ۳، صص ۶۹-۸۴.

۷. اسماعیلی، عطاء ا...، یاسوری، مجید و ابراهیمی، آدینه (۱۳۹۴) بررسی عوامل مؤثر بر توانمندسازی اقتصادی از منظر قرآن و حدیث، بصیرت و تربیت اسلامی، شماره ۳۵، صص ۷۷-۹۵.

۸. اصغری، محمود (۱۳۹۶) نقش زکات در تولید ثروت در نگرش قرانی، پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، سال ۲۳، ش ۱ (پیاپی ۱۱۲)، صص ۳۹-۶۰.

۹. امین‌مقدسی، ابوالحسن و افصحی، نفیسه (۱۴۰۲) واکاوی معناشناختی مفهوم عدالت اجتماعی در قرآن کریم با تکیه بر مبحث هم‌نشین‌های معنایی: ادب عربی، سال ۱۵، شماره ۱، پیاپی ۳۵، صص۴۳-۶۰.

۱۰.باادب برزگر، اعظم و محمدعلی کاظمی تبار (۱۴۰۰) معناشناسی عدل در قرآن کریم، همایش تحقیقات کاربردی در حوزه قرآن و حدیث، دوره ۱، صص ۱۸۷-۲۰۲.

۱۱.بهرا، ابوالفضل؛ رحیم‌زاده، اشکان؛ دالمن‌پور، محمد؛ نقیلو، احمد (۱۴۰۳) مطالعه تاثیر متقابل توزیع درآمد و انفاق در استان های ایران(رویکرد خودرگرسیون برداری پانل)، اقتصاد اسلامی، ۹۳، صص ۱۴۱-۱۶۸.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

۱۲.پورمولا، سیدمحمدهاشم، مرجان غلامی و راضیه بن‌زاده (۱۳۹۴) معناشناسی واژه عدل در قرآن کریم بر مبنای روش ایزوتسو، پژهش‌های قران و حدیث، سال چهل و هشتم، شماره یک، صص ۱-۲۳.

۱۳.تفضلی، فریدون (۱۳۵۵) تاریخ اندیشه‌های اقتصادی، ج ۱، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

۱۴.توتونچیان، ایرج؛ عیوضلو، حسین (۱۳۷۹) کاربرد نظریه عدالت اقتصادی در نظام اسلامی توزیع ثروت و درآمد، تحقیقات اقتصادی، شماره ۵۷، ۹۷-۱۳۲.

۱۵.خسروپناه، عبدالحسین؛ پورعزت، علی اصغر؛ محمدنژاد چاوشی، حبیب (۱۳۹۳) وسعت معنایی عدالت در قران، فصلنامه مطالعات تفسیری، شماره ۱۷، سال ۵، صص ۴۹-۷۴.

۱۶.خوش‌فر، محسن؛ رحمانی، راحله (۱۴۰۰) الگوی عدل الهی با تکیه بر تفاسیر المیزان و اطیب البیان، نشریه تحقیقات کلامی، شماره ۳۳، صص ۴۱-۵۷.

۱۷.دادگر، یدالله (۱۳۸۳) تاریخ تحولات اندیشه اقتصادی، قم: دانشگاه مفید.

۱۸.رجائی، سیدمحمد کاظم؛ فراهانی‌فرد، سعید؛ مختاربند، محمود (۱۳۹۹) بررسی نظری اثر ابزارهای سیاست پولی بر توزیع درآمد از دیدگاه اقتصاد اسلامی، اقتصاد اسلامی، شماره ۸۰، صص ۵۱-۸۰.

۱۹.رجایی، سید محمدکاظم؛ محمدیان، مهدی (۱۳۹۶) مبانی توزیع ثروت و درآمد در قران کریم: نگاه مقایسه‌ای، مقدمه‌ای بر الگوی توزیع اقتصاد مقاومتی، پژوهش‌های اقتصاد مقاومتی، سال ۲، ش ۲، صص ۹-۳۷.

۲۰.زرقا، محمد انس (۱۳۸۴) عدالت توزیعی در اسلام، ترجمه سیداسحاق علوی، نامه مفید، شماره ۲۳، صص.)

۲۱.ژید، شارل؛ ریست، شارل (۱۳۷۰) تاریخ عقاید اقتصادی، ج ۱، ترجمه کریم سنجابی، تهران: دانشگاه تهران.

۲۲.ژید، شارل؛ شارل ریست (۱۳۷۰) تاریخ عقاید اقتصادی، ج ۲، ترجمه کریم سنجابی، تهران: دانشگاه تهران.

۲۳.رالز، جان (۱۳۸۷) نظریه عدالت، ترجمه سیرمحدکمال سروریان و مرتضی بحرانی، تهران: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

۲۴.سیدخراسانی، راضیه سادات؛ فتحی، علی (۱۳۹۸) تحلیل رابطه حق در قران مجید بر پایه معناشناسی حق و با تاکید بر معناشناسی ساختگرا، پژوهش دینی، ش ۳۹، صص ۱۱۳-۱۳۵.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

۲۵.صدر، محمدباقر (۱۳۵۷) اقتصاد ما، ج ۲، ترجمه ع. اسپهبدی، چاپ ۲، تهران: اسلامی.
۲۶.طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۸) تفسیر المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی. ۲۰ ج. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و دفتر انتشارات اسلامی.
۲۷.عربشاهی کریزی، احمد (۱۳۹۵) بررسی عدالت در قرآن کریم در سه محور، مطالعات قرآنی، سال هفتم، شماره ۸۲ ، صص ۱۰۹-۱۳۲.
۲۸.عزتی، مرتضی (۱۴۰۳) عدالت در قران و ابعاد اقتصادی آن، اقتصاد و بانکداری اسلامی، سال ۱۳، شماره ۴۷، صص ۱۱۱-۱۴۲.
۲۹.عزتی، مرتضی (۱۴۰۳) قسط در قران و ابعاد اقتصادی آن، اقتصاد اسلامی، سال ۲۴، شماره ۹۴، صص ۴۳-۷۸.
۳۰.عزتی، مرتضی و محمودیان، مهرداد (۱۳۹۳) برآورد اثر انفاق بر کاهش فقر در ایران، اقتصاد اسلامی، سال ۱۴، ش ۵۳، صص ۳۱-۵۵)
۳۱.عیوضلو، حسین (۱۳۷۵) توزیع کارکردی: نظریه‌ای در روش اسلامی توزیع درآمد بین عوامل تولید، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، شماره ۳، صص ۱۵۱-۱۶۷.
۳۲.غفاری‌فرد، محمد؛ میرزایی، هادی (۱۴۰۰) تأثیر انفاق بر توزیع درآمد در استان های مختلف ایران، مطالعات اقتصاد اسلامی، شماره ۲۶، صص ۳۳۷-۳۷۰.
۳۳.فخرزارع، سید حسین (۱۳۹۸) عدالت احتماعی در قران، اسلام و مطالعات احتماعی، سال ۷، شماره ۲، (پیاپی ۲۶) صص ۷-۲۸.
۳۴.فرجی آرپناهی، زهرا؛ ابراهیمی‌فر، جلال؛ عبدالهی آرپناهی، معصومه؛ ابراهیمی‌فر، عیسی؛ عبدالهی آرپناهی، زینب (۱۳۹۹) تحقق رویکرد عدالت اجتماعی از دیدگاه قران کریم و روایات، مجله علوم اسلامی انسانی، سال ششم، شماره ۲۲، صص ۱۹-۲۶.
۳۵.فلاح، ابراهیم (۱۴۰۱) واکاوی مولفه‌های معنایی علم برپایه روابط همنشین در نهج‌ابلاغه، پژوهشنامه علوی، سال ۱۳، ش ۱، صص ۲۶۷-۲۸۹.
۳۶.قدیری اصلی، باقر (۱۳۷۶) سیر اندیشه اقتصادی، چاپ ۹، تهران: دانشگاه تهران.
۳۷.گلدانی، زهرا؛ ناصح، علی احمد (۱۴۰۱) مولفه‌های معنایی واژه سعی در قرآن کریم، کتاب قیم، ش ۲۷، صص ۴۷-۶۶.
۳۸.گلستانی، صادق؛ شرف‌الدین، سیدحسین (۱۳۹۱) نابرابری اجتماعی از دیدگاه قرآن کریم با تأکید بر تفسیر المیزان، معرفت فرهنگی اجتماعی، سال ۳، ش ۳، صص ۵ـ۲۹.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

۳۹.ندری، کامران و قلیچ، وهاب (۱۳۸۹) نقش حاکمیتی دولت اسلامی در بهبود توزیع درآمد، اقتصاد اسلامی، سال ۹، ش ۳۵، صص ۵-۳۲)

۴۰. هادوی‌نیا، علی اصغر (۱۳۹۹) معیارهای عدالت توزیعی از دیدگاه قرآن کریم، آموزه های قرآنی، دوره ۱۷، ش ۳۱ (پیاپی ۳۱)، صص ۳-۲۶.

۴۱.هاشمی تنکابنی، سید موسی ۱۳۹۸ مرور تاریخی نظریه‌های مختلف دربارهٔ عدالت و پیجویی شواهد قرآنی مؤید هر نظریه، مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، شماره ۶۶، صص ۲۱۵-۲۴۰.

۴۲.هایک، فردریش فون (۱۳۹۲) قانون، قانون‌گذاری وآزادی، جلد دوم: سراب عدالت اجتماعی، ترجمه مهشید معیری و موسی غنی‌نژاد، تهران: دنیای اقتصاد.

43. Abderrahim, Haddad and Fadma, EL Mosaid (2024) Te Effect of Applied Zakat on Wealth Distribution Using Agent Based Modeling, Journal of Theoretical and Applied Information Technology, Vol.102. No. 22, Pp. 7978-7988
44. Aziz, Farooq and Mahmud, Muhammad and Karim, Emad ul (2008) The Nature of Infaq and its Effects on Distribution of Wealth, KASBIT Business Journal, 1(1):44-48, Pp. 44-48.
45. Ghiasul Haq, S. (2013) DISTRIBUTION OF INCOME AND WEALTH IN ISLAM, South East Asia Journal of Contemporary Business, Economics and Law, Vol. 2, Issue 2 , Pp. 34-40.
46. Lahjouji, Hamida and Rouggani, Khalid (2016) Zakat and Distribution of Wealth on Islamic Economy: Case of Morocco, International Journal of Islamic Economics and Finance Studies, Vol: 2, Issue: 3, Pp. 151-160.
47. Rahim, Shafinah (2003) Distributive Justice: A Perspective from Islamic Economics Literature, Journal of Emerging Economies and Islamic Research, Vol.1 No.3, Pp. 77-99.
48. Shaikh, Salman Ahmed (2015) Equitable Distribution of Income with Growth in an Islamic Economy, Munich Personal RePEc Archive, MPRA Paper No. 68744, posted 11 Jan 2016 14:48 UTC. Online at https://mpra.ub.uni-muenchen.de/68744/
49. Sulaiman D. Muhammad, Muhammad Usman, Abdul Majid and Ghulam Rasool Lakhan (2013) Distribution of Wealth an Islamic Perspective: Theoretical Consideration, World Applied Sciences Journal 23 (8): 1118-1124, DOI: 10.5829/idosi.wasj.2013.23.08.949
50. Wan Khairuldin, Wan Mohd KhairulFirdaus and Mahadi, Mohammad (2013) The Philosophy and Elasticity of Zakah Distribution in Islam, International Journal of Education and Research, Vol. 1 No. Pp. 1-12.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]